

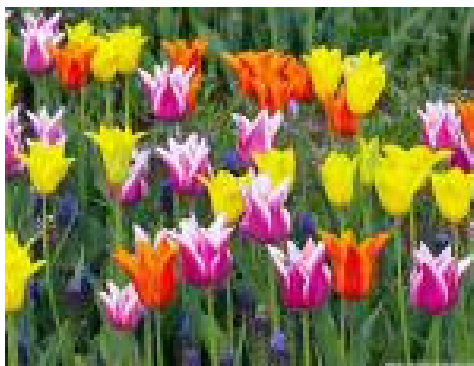
## میله گل سرخ و روایتی درباره مقبره حضرت علی در مزار شریف

در تاریخ 21 مارچ محقق افغان آقای محمدانور آخِر، در مورد نوروز و رواج گریه وزاری مردم زوار حین بلندکردن «توغ یا ژنده» حضرت علی در مزار شریف، مقاله آموزنده ای به نشر سپرده که با ذکرایات قرآنی و ترجمه آنها، هم روحانیون مخالف تجلیل نوروز را بدرستی توصیه و رهنمایی کرده وهم برخی اعمال خرافی مردم را مورد انتقاد قرار داده است. من مقاله اش را خواندم و از آنجای که دارای پیام روشنگرانه بود، مطالب ذیل را در تائید از مقاله آقای آخِر، اینجا می آورم.

تجلیل از نوروز در اول حمل (فروردین)، در میان ملل آریائی، اجرای مراسم دینی نیست، بلکه گرامیداشت از نوشدن سال و نوشدن طبیعت و آمدن بهار و رفتن زمستان و باریدن باران و دوباره سبز شدن زمین و زمان و درخت و گیاه و گل و گل بته ها بحیث یک رسم کهن و تاریخی است، که قبل از اسلام و قبل از میلادی و حتی قبل از عصر زرتشت در میان ساکنین "فلات ایران" رایج بوده است و تا کنون هیچ قدرت سیاسی و مذهبی بشمول تبلیغات روحانیت مسلمان نتوانسته این آئین کهن را بطور دائمی محو کند. اگر در یک جا برگزاری آن موقتاً محتل شده، در گوشه دیگری آن را بطور شکوهمندتری برگزار کرده اند. به همین خاطر است که این آئین تا زمان ما رسیده و دوام آورده است. اولین ملای معروفی که به ستایش از بهار یعنی سال نو و نوروز پرداخته است مولانا جلال الدین محمد بلخی میباشد.

شفا آمد، شفا آمد، شفا آمد، شفا آمد، شفا آمد  
که زردی رفت و خشکی رفت و عمر پایدار آمد  
نسیم رفته زین گلشن به رخس گل سوار آمد  
به گوش آید همین آوا، بهار آمد بهار آمد

بهار آمد، بهار آمد، بهار خوش عذار آمد  
بنفشه پیش نیلوفر، در آمد که مبارک باد  
بخوان ای بلبل خوش خوان که باد از نو بهار آمد  
زدشت و دامن صحرا، زشور و ناله دری



در شهر مزار شریف، نو روز هر سال بگونه خاصی با رنگ و صبغه مذهبی بنام «میله گل سرخ» برگزار میگردد و این میله (جشن) تا چهل روز دوام می آورد. روضه مزار و جاده های اطراف آن با گروپها و چلچراغ های رنگین و قطاردار رونق خاص و دلانگیزی می یابد. دلیل اینکه چرا جشن نو روز را در مزار شریف، میله گل سرخ میگویند، اینست که با آمد آمد بهاران هر سال صحرا و دشت و دامن کوه های بلخ غرق در گل های سرخ لاله و شقایق وحشی و خودروی میگردد.

مراسم میله گل سرخ با انجام آداب زیارت کردن جزئی از مراسم عنعنی- اعتقادی مردم بشمار می رود. به پیشواز نوروز و میله گل سرخ، مردم خانه ها و حویلی ها، باغچه ها و پارکها، جاده ها

و کوچه ها را پاک و تمیز می‌کنند. و در پاکی پارک های داخل روضه مزار شریف توجه خاص مبذول میشود. زیرا ده روز مانده به نوروز مردم از اطراف و اکناف افغانستان و ایران و پاکستان و کشورهای آسیای میانه به شهر مزار شریف می آیند ، و نوروز را برای مدت چهل روز از بیستم ماه حوت تا اخیر ماه حمل گرامی میدارند.

در روز اول سال نو، ده ها هزار مردم بر گرداگرد مقبره منسوب به حضرت علی بن ابی طالب صف میکشند و در ساعت ۹ صبح والی همراه با رؤسای دوایر دولتی ، قضات و افسران عالی رتبه و روحانیون به صحن روضه مزار جمع می شوند و سپس موزیک دولتی برسم احترام نواخته می شود و بعد با قرائت سوره هایی از قرآن و خوانش پیام شخص اول کشور بوسیله والی یا استاندار و دعای خیر وبرکت و فراوانی نعمات «ژنده یا توغ یا علم» حضرت علی برافراشته میشود.

« ژنده، توغ» چوب ضخیم و بلندی است به ارتفاع تخمین هفت یا هشت متر و پوشیده با پارچه های رنگارنگ ابریشمین که در مدت جشن در صحن روضه برپا مییابد. هنگام برافراشتن «ژنده» مردم هجوم میبرند تا برآن دست بکشند و در صورت ممکن پارچه ای از آن را تبرک گویا برای خودبکنند، اعتقاد عامه چنین است که هر که دستش بر ژنده و یا توغ حضرت علی کرم الله وجهه برسد، از بلاها و امراض سماوی و زمینی درامان خواهد بود و همه آرزوهایش برآورده میگردد. اما در پهلوی این تبلیغات برخی از متولیان وملایان زیارت کاسبی خاصی را نیز براه می اندازند که در زیر به نمونه آنها اشاره خواهد شد.



**روضه مزار شریف قبل از برافراشتن ژنده شاه ولایت مآب**

بنابراین تجمع مردم در مزار و شب زنده داری کردن در روضه مزار برای رسیدن به مراد خویش یعنی دست زدن بر ژنده و مالیدن آن بر چشم و سرو صورت خویشتن است .گاهی برخی از افراد بر اثر فشار مردم زیرپا میشوندو دست وپای شان می شکند. بعد از برافراشتن پرچم مذهبی ، حاضرین کف میزنند و با خوشحالی به ادای زیارت و روای حاجت خودمی پردازند و به همدیگر خود روز نوروز را تبریک میگویند.

در این روز همه مردم از زن و مرد و کودک و جوانان و سالمندان لباس نو می پوشند و با سر و صورت تمیز و دل‌های مالامال از شادمانی و خوشی به تماشای سرگرمی های دلچسپ از قبیل : بزکشی، قوچ جنگی ، بودنه جنگی ، مرغ جنگی و تخم مرغ جنگی ، کبک جنگی، و شعبده بازی و سادوگری میگذرانند. در جشن گل سرخ مسابقات بزکشی در بیرون شهر مزار شریف در دشت لیلی و دشت آهوان که مملو از گل لاله و گل های خود جوش صحرایی هستند، بر گزار می گردد.



### **تصویری از رسوم بزکشی در نوروز در مزارشریف**

در این روز رسم بر این است که مردم به دیدار دوستان و خویشاوندان و بزرگان خود بروند و به یک دیگر نوروز را تبریک بگویند و مقدم نوروز را برای سالی که در پیش روی دارند ، میمون و مبارک بخواهند. در روزهای جشن گل سرخ مردم سفره های رنگین از غذاهای متنوع هموار میکنند و از مهمانان با پیشکش شیرینی های متنوع استقبال میکنند. خوراک هفت میوه و سمنک به میمنت این روز زیب دسترخوان میزبانان است. در میله گل سرخ هزاران نفر زوار از شهر های مختلف افغانستان به مزارشریف می آیند و چون مهانخانه های مزارشریف برای پذیرائی مسافران و زوار کفایت نمیکند، بیشتر در منزل دوستان و آشنایان خود میروند و جشن گل سرخ را بادوستان خود یکجا تجلیل میکنند. در مدت چهل شبانه روز میله گل سرخ، در تمام رستورانها و پارک ها موسیقی و ساز و آواز خواننده های معروف کشور به گوش میرسد.

### **روایتی درباره مزارشریف**

مقبره مزار شریف در ولایت بلخ تنها اثر زنده هنر معماری از عهد تیموریان در افغانستان است که در سال ۱۴۸۰ میلادی در عهد سلطان حسین بایقرا اعمار گردیده است . محمدتقی حکیم در جغرافیای تاریخی شهر های ایران به نقل از روضه الصفا، روایت میکند که در سال ۸۸۵ هجری، مردی بنام شمس الدین محمد که خودش را به شیخ بابزید بسطامی صوفی معروف منتسب می نمود ، از کابل به بلخ رفت و کتابی در اختیار داشت که گویا در زمان سلطان سنجر سلجوقی نوشته شده بود. در این کتاب غیر موثق اشاره شده بود که مزار امیر المؤمنین علی بن ابی طالب در قریه « خواجه خیران»

بلخ بوده باشد. حاکم بلخ به محل قریه خواجه خیران (خواجه حیران؟) رفته، مقبره و گنبدی محقری دید، امر کرد تا محل را بکاوند، در نتیجه لوحه سنگی بدست آمد که بر آن نوشته شده بود: « اینست مضجع اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیهم السلام ابن عم رسول الله صلی الله و علیه و آله». چون صحت این روایت از نظر تاریخ مشکوک بود، موضوع توسط شخص راوی به سلطان حسین بایقرا در هرات گزارش داده شد.<sup>1</sup>

غبار نیز این روایت را در مسیر تاریخ، آورده و علاوه می‌کند که: سلطان حسین بایقرا بر اثر ادعای شمس الدین محمد، مدتی بعد، از هرات به بلخ رفت، و از قریه خواجه حیران دیدن کرد، در آنجا گنبدی و قبری با لوحه سنگی دید که در آن لوحه سنگ عبارت: « هذا قبر اسدالله ابن عم رسول الله علی ولی الله» دیده می‌شد. چون تاریخ صحت چنین ادعای را تصدیق نمی‌کرد، معهداسلطان حسین امر کرد تا بالای آن قبر عمارت موجود را بساختند و بازاری بر آوردند و حمامی بنیاد نهادند. سلطان «نهرشاهی» را بر این مزار جدید الاحداث وقف کرد و سید تاج الدین حسن اندخوئی را به نقابت و همان شمس الدین محمد ( شیخ زاده بسطامی ) را بتولیت مزار معین کرد و کار کنانی هم برای موقوفات آن مقرر نمود. از آن بی‌بعد است که قریه خواجه حیران نام «شهر مزار شریف» گرفت و بتدریج آباد تر شد و عوض بلخ قدیم مرکز ولایت گردید. در این ضمن شیخ زاده بسطامی به آنچه می‌خواست رسید یعنی مقام روحانی حاصل کرد و تمول سرشار از نذر و نذور بدست آورد.<sup>2</sup>

با توجه به آنچه روضه الصفا روایت کرده و محمدتقی حکیم و مرحوم غبار آن روایت را در مورد ایجاد شهر مزار و رونق آن از برکت نام حضرت علی (ع) نوشته، یک بار دیگر میتوان تأیید کرد که هیچ سند و شواهد تاریخی در دست نیست که ورود خلیفه چهارم را به افغانستان نشان بدهد، تا چه رسد به مرقد آن حضرت در این کشور؟ زیرا به گواهی تاریخ طبری، در سال ۴۰ هجری سه تن از خوارج که از پیگرد سپاه حضرت علی بجان رسیده بودند، (یعنی ابن ملجم، برک ابن عبدالله و عمرو بن بکرتمیمی) تصمیم گرفتند که علی، معاویه و عمروعاص را بقتل برسانند تا راه برای انتخابات آزاد جهت تعیین خلیفه تازه فراهم گردد. مامور قتل معاویه او را زخم زد و مجروح ساخت، مامور قتل عمروعاص نیز بجای او اشتباهاً شخص دیگری را بقتل آورد، اما مامور قتل علی، عبدالرحمن بن ملجم در سرگاه نوزدهم رمضان، با شمشیر، حضرت علی را مجروح کرد که سرانجام باعث مرگ علی گردید.<sup>3</sup>

بقول علی میرفطروس: قبر علی را از بیم آنکه مبدا خوارج آنرا نبش کرده و جسد وی را بیرون آورند، از مردم پنهان کردند و بقولی دوبار قبر علی را از جایی دیگر تغییر دادند. بعضی گویند جسد علی را باشتی به مدینه فرستادند تا در کنار رسول خدا بخاک سپرده شود ولی اشتراک راه گم شد و ندانستند بکجا رفت. برخی گویند آن شتر را قبیل طایفه طغی گرفته و جسد علی را دفن کردند، ولی علما و مورخان شیعه گویند که حضرت علی را در نجف بخاک سپردند.<sup>4</sup> مگر مردم افغانستان و

1 - محمدتقی حکیم، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۴۴

2 - غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱، ص ۲۸۱

3 - تاریخ طبری، ج ۶، صص ۲۶۸۱- ۲۶۹۳، بحواله علی میرفطروس، اسلام شناسی، ج ۱، ص ۹۲، دکترانور خامه ای، شاه کشی در ایران و جهان، تهران ۱۳۸۱، صص ۴۰-۴۴

4 - علی میرفطروس، اسلام شناسی، ج ۱، ص ۹۳-۹۲

آسیای میانه تا هنوز به این باورند که قبرحضرت علی در شهر مزارشریف هست و سالانه هزاران خانواده از دور و نزدیک از پاکستان و ایران و آسیای میانه برای طلب مراد به این مزار می آیند.

### حقه بازیهای متولیان از روضه مزارشریف:

آقای سلیمان راوش در مقاله خود که بمناسبت نوروز نوشته، در مورد عملکرد متولیان روضه مزارشریف یاد آور شده که: در جشن نوروز برخی وقایع معجزه مانند از سوی متولیان روضه مزار به وقوع می پیوندد که بر رونق دکان متولیان روضه سخت موثر است. او میگوید که چند روز قبل از فرارسیدن نوروز، یکی دوفتر از معتمدان متولی روضه، پسر و یا مرد جوانی را کور یا کور و یا شل وانمود میکنند و او را در مدخل ورودی روضه جا میدهند تا در حال گریه و زاری از مردم بخواهد که به حال این جوان به درگاه سخی شاه مردان دعا و استرحام کنند تا بینائی و یا شنوائی و حرکت و برکت را دوباره بازیابد، نماز گزاران در این چند روز هنگام ادای نماز طبعاً با گریه و شیون کور، کر و یا شل آشنا میشوند و یکجا با ملا امام در حق مریض دعای خیر میکنند. (جالب است که هریک از این معبوبین خود را از یک گوشه دور افتاده کشور وانمود میکنند که سالهاست به این مریضی مصاب شده اند.) در روز نوروز پس از بیرون آوردن ژنده از حرم روضه ناگاه فریاد برآورده میشود که مریض ما از برکت لطف سخی شاه مردان، شفا یافت. با این فریاد مردم او را نظر کرده شاه ولایت مآب علی کرم الله وجه تصور کرده بسوی شخص به مراد رسیده هجوم می برند و هریک سعی میکند دستش بر سر و صورت و لباس او برسد تا پارچه ای از لباس او را تبرک گویا بردارند، مگر از طرف افراد محافظ بشدت ممانعت صورت میگیرد و سعی میشود هرچه زودتر از محل دوربرده شود، گاهی در این هنگامه کور یا کر تازه شفا یافته در زیر دست و پای مردم می افتد و واقعاً زده و زخمی و حتی کشته میشود. البته محافظین فوراً او را از صحنه بیرون میکشند و تا چند روز هم از چشم مردم پنهان میکنند. بدینسان آوازه دوباره شفایابی مریض در میان زوار و از طریق آنها بشهرها و روستاها می پیچد و هر سال سیلی از مردم بسوی مزارشریف سرازیر میشوند و برای متولی روضه نذر و نذور می پردازند و دکان روحانیت و تولیت مزار، پر رونق تر میگردد و این کار از قرنهاست به همین روال دوام دارد.<sup>5</sup>

آقای حمید آدم نیز نظیر همین داستان را از قول یکی از کیسه بران حرفه ئی در سایت افغان-جرمن آن لاین گذاشته بود که در نوع خو جالب است. برطبق این روایت برخی از کیسه بران ماهر در آستانه نوروز خود را به مزار شریف رسانده و به یکی از کیسه بران وظیفه سپرده میشود تا خود را شل و یا کور وانمود کند و دو سه تایی دیگر وظیفه میگیرند تا خود را از اقارب آن کور یا شل و از ولایات دور وانمود کرده در دروازه ورودی مسجد روضه جای بگیرند تا نماز گزاران متوجه آنها بشوند. در روز نوروز پس از آنکه ژنده بالا شد، دفعتهً از سوی کسی که خود را به کوری یا شلی زده فریاد زده میشود که شفایافته است. با شنیدن صدای مریض به مراد رسیده سیل مردم غرض لمس کردن سر و لباس وی بسوی او سرازیر میشود و چون ازدحام مردم زیاد است، کسی ب فکر جیب خود نمیشود، در این فرصت کیسه بران دست بکار میشوند و ده ها جیب را می زنند و از صحنه بدر میروند. و آنگه

کسی که جیش زده شده است، متوجه فریب کاری مرد دغل کار و مزور میگردد ولی کار از کار گذشته است و پشیمانی سودی ندارد.<sup>6</sup>

بطور کلی خواسته های و آرزوهای حاجتمندان و زوار مزار شریف در هنگام زیارت و برافراشتن ژنده علی، در ترانه مشهور ملا محمدجان چنین بازتاب یافته است.

### ترانه ملا محمدجان

بیای کی بریم به مزار ملا محمد جان	سیل گل لاله زار واه واه دلبرجان
سرکوه بلند فریاد کردم	علی شیر خدا را یاد کردم
علی شیر خدا یا شاه مردان	دل ناشاد ما را شاد گردان
سخی شیر خدا دردم دوا کن	مناجات مرا پیش خدا کن
چراغ روغنی نذری ته می تم	بهرجا عاشق است دردش دواکن
نظرگاه گر روم با تو نگارا	بگیرم دامن شیر خدا را
بگیرم تا خدا رحمش بیاید	
نهیم بر چشم خود قفل طلا را	

پایان

---

<sup>6</sup> - آرشیف مقالات سایر نویسندگان، مقاله حمید آدم در مورد نوروز، افغان جرمن آنلاین، 2005